

## عناصر اخلاق اقتصادی اسلامی و تولید ملی

محسن نورائی<sup>۱</sup>، جواد ایروانی<sup>۲</sup>

### چکیده

هر چند برخی اندیشمندان و طرفداران مکاتب اقتصادی، مانند پیروان مکتب سوداگری و نیز فیزیوکرات‌ها هر گونه ارتباط اخلاق و ارزش‌های معنوی را با رفتارهای اقتصادی از جمله تولید را انکار کردند، اما بسیاری از اقتصاددانان دوره‌های اخیر کم و بیش به لزوم توجه به اخلاق پی برده‌اند. بی‌تردید ماهیت تعالیم و فرامین معتبر اخلاقی در هر مکتب اقتصادی متمایز از مکاتب دیگر و منطبق با اصول و اهداف مقبول آن تدوین و تنظیم می‌گردد. پژوهش پیش رو که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، می‌کوشد تا با مراجعه به قرآن کریم، احادیث معتبر اسلامی، عناصر بنیادین اخلاق اقتصادی اسلامی معطوف به تولید را به بحث نشیند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تعالیم والای اسلام با استفاده از ابزارهای مختلف اخلاقی و قانونی، نظام روشن اخلاقی در اقتصاد را بنا نهاده و ضمن ارزش نهادن به کار و تولید با تأکید بر ارزش‌های معنوی به افزایش رشد اقتصادی همت گمارده است. مهمترین عناصر اخلاق اقتصادی ناظر به تولید عبارت‌اند از وجدان کار، تخصص و تعهد، توجه به کیفیت، نفی استعمار. بی‌تردید شناخت درست و پایبندی به عناصر اخلاق اقتصادی اسلام سبب رشد تولید در جوامع اسلامی از جمله تولید ملی خواهد شد.

واژگان کلیدی: اسلام، اخلاق، اقتصاد، اصول اخلاق اقتصادی، تولید ملی

### مقدمه

تولید به معنای به‌کارگیری و سازماندهی نهادهایی مانند کار، سرمایه و منابع طبیعی که به ایجاد کالا و خدمات بینجامد، از مباحث مهم اقتصاد محسوب می‌شود. اهمیت تولید به سبب اثرگذاری بالای آن بر رشد اقتصاد و شتاب‌بخشی به آهنگ توسعه است. از این رو فعالیت تولیدی را از عناصر اساسی در کسب و کار دانسته‌اند و بر بهبود آن تأکید فراوان می‌شود.

هر چند برخی اندیشمندان و طرفداران مکاتب اقتصادی نقش اخلاق در اقتصاد را نادیده انگاشته‌اند اما بسیاری از اقتصاددانان دوره‌های اخیر کم و بیش به لزوم توجه به اخلاق پی برده‌اند. برخی از ایشان تأکید می‌نمایند که عامل زیربنایی در تحولات صنعتی و اقتصادی، تغییر خصلت‌های اخلاقی و فرهنگی و وجود تصورات عمومی صحیح از مفاهیم اساسی توسعه مانند کار می‌باشد.

آموزه‌های والای اسلام، بیش از هر مکتب و اندیشه دیگری، به شئون و ابعاد مختلف اخلاق اقتصادی از جمله کار و تولید اهتمام ورزیده و نظام اخلاقی روشنی را در لابه لای معارف و الایش برجای نهاده است.

۱- استادیار دانشگاه مازندران؛ m.nouraei@umz.ac.ir

۲- استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی

استخراج، تبویب و تحلیل این نظام اخلاقی وظیفه محققان و اندیشمندان سختکوش اسلامی است. در میان عناصر اخلاقی اقتصاد اسلامی، موارد پرشماری وجود دارد که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم زمینه‌ساز رشد و تقویت تولید و به‌ویژه تولید ملی می‌گردد.

کارکرد اقتصادی این آموزه‌ها به گونه‌ای است که به گفته رودنسون (Rodinson) «اسلام تمام خصوصیات پروتستان را که موجب پیشرفت شد، دارا است؛ جدی گرفتن کار، ارزش تجارت، قانون‌مدون، و... ولی مسلمانان هیچ‌گاه اسلام واقعی را به‌کار نبسته‌اند.» (تفضلی، صص ۴۹-۵۰).

عناصر اساسی اخلاق اقتصادی اسلام را می‌توان به طور کلی در سه محور قرار داد؛ عناصر اخلاق کار و تولید در اسلام، عناصر اخلاق توزیع در اسلام و سرانجام عناصر اخلاق اسلامی مصرف که بر تقویت تولید ملی و حمایت از آن تأثیرگذارند. آنچه در پی می‌آید، ارائه و تحلیل بخش نخست از عناصر یاد شده یعنی عناصر اخلاق تولید است که با مراجعه به آیات قرآن و احادیث معتبر تنظیم و تدوین شده است.

### الف- وجدان کار

وجدان کار که گاه از آن به اخلاق کار تعبیر می‌شود، به معنای گرایش به انجام صحیح کار و وظایف شغلی، بدون نظارت مستقیم است (معیدفر، ص ۱۸). به دیگر سخن، گرایش و نیروی درونی که انسان را وامی‌دارد، چندوچون کار خود را، به تمامی به انجام رساند، وجدان کار نامیده می‌شود (سیدعباس‌زاده، ص ۱۰). از این رو، پرکاری، انجام بهتر کار، کنترل درونی و مسئولیت‌پذیری، از نشانه‌های وجدان کار، و در مقابل، کم‌کاری، اهمال‌کاری، نظارت‌خواهی و مسئولیت‌گریزی، از علایم ضعف وجدان کاری به شمار می‌رود (همان، صص ۱۱-۱۴).

### عوامل مؤثر بر وجدان کار

عواملی چند بر ایجاد و تقویت وجدان کار مؤثر است که برای نمونه می‌توان به ویژگی‌های فردی، نیازها، سنت‌های فرهنگی و آموزه‌های دینی اشاره کرد (همان، صص ۳۰-۵۷). در این میان، عامل اخیر، به دلیل توجه و تأکید بر عناصر ارزشی و آموزشی مؤثر بر وجدان کار، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مهمترین عناصر یاد شده عبارت است از:

#### ۱. اصلاح نگرش

از عوامل مهم و بنیادین در تحکیم وجدان کار، باورها و زیرساخت‌های فکری صحیح نسبت به علل و اسباب تأثیرگذار بر سرنوشت انسان است. اندیشه‌های نادرست و خرافی همچون جبر تاریخ و محیط، و اعتقاد به بخت و اقبال و تأثیر جبری سال و ماه و روز بر سرنوشت انسان و نیز تلقی نادرست از مفاهیمی همچون قضا و قدر، زهد و بی‌ارزشی دنیا و حتی نگرش منفی به کار در میان برخی افراد و جوامع، هر یک مانعی در برابر وجدان کار و عاملی برای سستی و عقب‌ماندگی به شمار می‌رود.

در بینش اسلامی، چنین نگرش‌هایی یا به طور کلی بی‌پایه شمرده شده و یا برداشت درست و سازنده آن به روشنی، بیان گشته است. در بینش اسلامی، تغییر سرنوشت انسان به دست خود اوست (نک: طباطبایی،

ج ۱۱، صص ۳۱۲-۳۱۳؛ ناصر مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۰، ص ۱۴۵) و هرگونه تأثیر جبری عوامل خارجی، مردود (درباره نفی تأثیرات جبری سعد و نحس ایام، فال بد زدن و مانند آن، نک: مکارم شیرازی و دیگران، ج ۶، صص ۳۱۷-۳۱۹؛ ج ۲۳، صص ۴۱-۴۷؛ ج ۲۴، صص ۲۶-۴۲۸) و هر نوع خرافه پرستی و خرافه گرایی، ممنوع اعلام شده است (نک: اعراف، ۱۵۷؛ ۱۱، ۵۴؛ نمل، ۴۷؛ ۳۶، ۱۸-۱۹)

## ۲. خشنودی از کار

دلبستگی به کار و خشنودی از آن، نقش مهمی در تقویت وجدان کار و روحیه سخت کوشی دارد (معیدفر، ص ۸۷)؛ چنان که بی رغبتی به کار و اجباری انگاشتن آن، مایه ضعف وجدان کار و در نتیجه، کم کاری و مسامحه کاری می شود. از این رو، اندیشمندان اقتصادی در جوامع مختلف، برای ایجاد میل و رغبت به کار، مفاهیمی همچون ایجاد جامعه آرمانی و سودمندی اجتماعی، را مطرح و تشویق نموده اند تا با درونی ساختن این گونه ارزش ها، به پیشرفت کار در جامعه کمک نمایند (توسلی، ص ۱۵۴).

نقش آموزه های دینی در این باره، بسیار برجسته است؛ چه در باور فرد مسلمان، کار و تولید، عبادتی بزرگ و پذیرفته الهی، و تأمین کننده سعادت دنیوی و اخروی اوست، و نشاط و لذت زندگی، عزت و اعتبار اجتماعی و نیز توان و برتری ملی (نک: مجلسی، ج ۸، ص ۱۰۵ و ج ۶۶، ص ۱۵۵)، تنها در پرتو کار و تلاش دست یافتنی است. از این رو، بر فعالیت اقتصادی حتی در حال توانگری و بی نیازی مادی نیز تأکید می شود (حرانی، ص ۴۱۱).

## ۳. آموزش و الگو سازی

عامل مهم دیگر، در تقویت و نهادینه کردن وجدان کاری در سطح جامعه، آموزش عمومی، به ویژه گونه عملی آن «الگوسازی» است؛ چراکه پرکاری و سختکوشی همچون دیگر هنجارهای اجتماعی، به شدت از تجارب فرد در طول زندگی و به ویژه در دوران کودکی و جوانی اثر می پذیرد و در این میان، تأثیر الگوها، بسیار ژرف تر از آموزش های گفتاری است. از این رو، پیامبران و امامان، با سفارش به کار و تولید، در عمل نیز به آن می پرداختند. اشتغال آنان به کار در اجتماع و در مقام رهبری فکری جامعه، و گاه با وجود بی نیازی از درآمد مادی آن، می تواند این پیام را برساند که آموزش و الگوسازی برای تقویت وجدان کاری جامعه همواره یک ضرورت است.

## ۴. تقویت احساس مسؤولیت

در اندیشه اسلامی انسان، در برابر خدا و نعمت هایش و در برابر جامعه، مسؤول است. همچنین به مسؤولیت او در برابر لحظه لحظه عمرش که سرمایه اصلی او در رسیدن به سعادت است، بسیار تأکید شده است. قرآن کریم در این باره می فرماید: لَتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ «به یقین، از آنچه انجام می دادید، بازپرسی خواهید شد» (نحل، ۹۳).

نیز پیامبر اکرم (ص) در سخنی هشداردهنده و سازنده می فرماید: لا تزول قدما عبد یوم القیامی حتی یسأل... عن عمره فیما أفناه و عن شبابه فیما أبلاه... «(بابویه قمی، ج ۱، ص ۲۵۳). روز قیامت هیچ بنده ای قدم

از قدم بر نمی‌دارد تا... از عمرش که در چه راهی آن را صرف کرده است و از جوانی‌اش که چگونه آن را سپری نموده، پرسیده می‌شود.

### ۵. توجه به پیامدهای ضعف وجدان کار

کم‌کاری و سستی ناشی از ضعف وجدان کار در فرهنگ عمومی، آثار نامطلوبی بر اقتصاد ملی به جای می‌گذارد، که از علل عمده ناکامی برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی و در نتیجه رکود و عقب‌ماندگی است؛ چراکه توانمندی‌ها، امکانات و منابع ملی را هدر می‌دهد (نک: آمدی، ص ۶۳) و دستیابی به سعادت و پیشرفت را دشوار می‌سازد. امیر مؤمنان (ع) با بیان این حقیقت می‌فرماید: «هیئات من نیل السعادة سکون إلی الهوینا و البطاله»: آرمیدن در [بستر] سستی و بیهوده‌کاری، با رسیدن به خوشبختی، فاصله‌ای بس زیاد دارد (همان، ص ۳۲۶).

بنابراین، اگر ضعف وجدان کار، با کمبود یا نبود پاره‌ای امکانات و توانمندی‌ها همراه گردد، شکست و ناکامی را حتمی می‌سازد؛ چنان‌که همان امام (ع) می‌فرماید: فی التوانی و العجز أنتجت الهلکه؛ نتیجه سستی و ناتوانی، هلاکت [و نابودی] است (کراجکی، ج ۱، ص ۳۶۷).

این‌گونه است که امامان معصوم (ع) به اصحابشان اجازه نمی‌دادند حتی یک روز کاری را بی‌جهت تعطیل نمایند. فضیل بن یسار، از یاران امام صادق (ع)، می‌گوید: امام به من فرمود: مشغول چه کاری؟ گفتم: امروز به کاری اشتغال ندارم. فرمود: این چنین است که دارایی شما از میان می‌رود (کلینی، ج ۵، ص ۱۴۸).

### ب- تخصص و تعهد

دانش و تخصص در کنار پاکی و تعهد، دو ویژگی اساسی نیروی کار است که در آموزه‌های دینی، بر آن تأکید فراوان شده است. نکته جالب توجه این است که هیچ‌یک از این دو عنصر، به تنهایی نمی‌تواند ملاک ارزیابی و مطلوبیت کار باشد. در بینش اقتصادی اسلام، متعهد غیرمتخصص در ردیف متخصص خائن قرار می‌گیرد و زیان اقتصادی نبود تخصص در نیروی کار متعهد (اعم از مدیر و کارگر) با بی‌تعهدی متخصص، مقایسه می‌گردد، چراکه یکی به‌خواست و دیگری از سر جهل، موجب اخلال و فساد می‌شود. توضیح مطلب را با بیان برخی از آیات و روایات مربوط پی‌می‌گیریم.

در سوره مبارکه قصص چنین آمده: «یکی از آن دو [دختر] گفت: ای پدر، او [موسی] را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کس است که نیرومند و امین می‌باشد» (قصص، ۲۶). این آیه درباره جریان نخستین دیدار موسی (ع) با شعیب (ع) است. پس از آن‌که موسی (ع) برای سیراب نمودن گوسفندان شعیب (ع) به دختران او کمک می‌کند، یکی از دختران، از پدر می‌خواهد که موسی (ع) را به استخدام خود درآورد. واژه «استأجر» از مصدر «استیجار» و به معنای «اجیر گرفتن» (طبرسی، ج ۷-۸، ص ۳۹۰) و استخدام نیروی کار است. قرآن کریم با تعلیل به «إِنَّ» و به کارگیری افعال تفضیل «خیر»، این قاعده کلی را از زبان دختر شعیب بیان می‌کند که بهترین فرد برای استخدام، کسی است که توانمند و امانتدار باشد.

بدیهی است منظور از قدرت و توانمندی، تنها نیروی جسمانی نیست؛ بلکه توانمندی بر انجام مسئولیت است (مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۶، ص ۶۶) که توان فکری و تخصص کاری را نیز دربرمی گیرد. برای نمونه، قدرت و توان مهندس فنی یا پزشک بر انجام کارش، زمانی است که آگاهی و تخصص لازم را دارا باشد. بدین سان، دو ویژگی توانمندی و تعهد، به عنوان مهمترین عناصر ارزیابی نیروی کار، به شمار می رود. در روایات معصومان (ع) نیز از تعهد و تخصص به عنوان دو اصل مهم برای انجام هرکاری یاد شده است. (نک: حرانی، ص ۴۶؛ کلینی، ج ۵، ص ۳۰۰).

### پ- نظم و انضباط

نظم و انضباط و مدیریت زمان، از مهمترین عوامل بهره برداری درست از سرمایه ارزشمند عمر، و استفاده مطلوب از فرصت‌ها در مسیر پیشرفت و تکامل است. در اهمیت آن از نگاه دینی، همین بس که امیر مؤمنان (ع) در آخرین وصیت خویش، فرزندان خود و همه انسان‌ها را، مخاطب خویش ساخته و آنان را به نظم، فرا می خواند: «أوصیکما... و من بلغه کتابی، ب... نظم أمرکم...»: شما... و هرکس را که نامه من بدو رسد، به... نظم در کارتان سفارش می کنم (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

به نظم و انضباط در فعالیت اقتصادی نیز در ابعاد گوناگون، توجه ویژه‌ای شده است که به مهمترین آن اشاره می کنیم:

### شاخص‌های نظم و انضباط

#### ۱. تقسیم وقت

بر تقسیم وقت در آموزه‌های دینی، بر اساس مصالح جسمی و روحی انسان، سفارش شده است. امام کاظم (ع) می فرماید: «اجتهدوا فی آن یكون زمانکم أربع ساعات: ساعة لمناجاة الله، ساعة لأمر المعاش، و ساعة لمعاشرة الإخوان... و ساعة تخلون فيها للذاتکم فی غیر محرّم...»؛ تلاش کنید تا زمان خود را چهار بخش کنید: زمانی برای نیایش با خدا، زمانی برای تأمین زندگی، فرصتی برای دیدار با برادران [دینی]... و زمانی برای بهره‌گیری از لذت‌های حلال... (حرانی، ص ۴۳۳).

#### ۲. تقسیم کار

انسان‌ها دارای استعدادها و توانمندی‌های گوناگونی‌اند که هر یک می‌تواند بخشی از نیازهای جامعه را تأمین کند و در برابر، از خدمات دیگران بهره‌برد و بدین سان، نظام زندگی و اجتماعی آنان، سامان یابد. قرآن کریم، این تقسیم طبیعی کار و استخدام متقابل را این‌گونه بیان نموده است: «ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم، و برخی از آنان را از [نظر] درجات، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را به خدمت گیرند». (زخرف، ۴۳)

این تقسیم هرگاه به درستی اجرا شود و هرکس در حیطه تخصص خود به کار و فعالیت بپردازد، موجب افزایش بهره‌وری، سامان‌یابی امور و در نتیجه، افزایش تولید می‌گردد. از این رو، امیر مؤمنان(ع) خطاب به فرزندش امام حسن(ع) و در واقع به همه مدیران و کارفرمایان می‌فرماید: «اجعل لكل إنسان من خدمك عملاً تأخذه به، فإنه أحرى أن لا يتواكلوا في خدمتك»: هریک از خدمتکارانت را به کاری عهده‌دار کن و از او بازخواست نما تا هیچ‌یک کار خود را به عهده دیگری نگذارد. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

### ۳. میانه‌روی

آموزه‌های اسلام، بر رعایت میانه‌روی در ابعاد گوناگون زندگی و به ویژه در امور اخلاقی، تأکید بسیار کرده است (نک: نراقی، ج ۱، صص ۵۱-۷۲؛ مدرسی، صص ۱۹۱-۱۹۳). روایات نیز بر این مهم تأکید کرده (نک: کلینی، ج ۶، ص ۵۴۱) و درباره کار و طلب روزی، احادیث فراوانی در نکوهش افراط و تفریط و دعوت به میانه‌روی، نقل شده است.

بر پایه این آموزه‌ها، انسان، پیوسته در معرض دو رذیلت اخلاقی است: نخست، افراط و زیاده‌روی که برخاسته از رذیلت حرص و طمع است و موجب سلب آسایش جسمی و آرامش روحی، و از دست دادن فرصت کافی برای پرداختن به امور معنوی و عبادی می‌گردد؛ دوم، تفریط و کم‌کاری یا بیکاری، که ناشی از تلقی نادرست درباره مفهوم قضا و قدر و توکل یا سستی ناشی از ضعف وجدان کار، و روحیه رفاه‌طلبی است. تردیدی نیست که این دو امر، و رذیلت‌های اخلاقی که به آن دو می‌انجامد، از دیدگاه دینی، نکوهیده و نارواست. برای نمونه به ذکر چند روایت بسنده می‌کنیم:

امام حسن(ع) می‌فرماید: «لا تجاهد الطلب جهاد الغالب، و لا تتكل على القدر اتكال المستسلم، فإن ابتغاء الفضل من السنة و الإجمال في الطلب من العفة، و ليس العفة بدافعه رزقاً، و لا الحرص بجالب فضلاً، فإن الرزق مقسوم و استعمال الحرص استعمال المآثم»: در پی روزی، بیش از اندازه، مکوش، و بر قضا و قدر نیز به سان بیچارگان و ناچاران، تکیه مکن. به راستی طلب روزی، از سنت است و میانه‌روی در طلب آن از عفت؛ نه عفت مانع روزی می‌شود و نه حرص بر آن می‌افزاید؛ چراکه روزی به قسمت است و آزمندی، گناه و معصیت(حرانی، ص ۲۳۳).

تأثیر مثبت چنین باوری، در انضباط کاری، رعایت اخلاق کار، و آرامش روحی افراد، به تمامی، آشکار است.

نیز امام صادق(ع) می‌فرماید: «من بات ساهراً في كسب و لم يعط العين حظها من النوم فكسبه ذلك حرام... الصنّاع إذا سهروا الليل كله فهو سحت»: هرکه سراسر شب را به کسب و کار بپردازد و چشم را از بهره خواب بی‌نصیب سازد، آن درآمد حرام است... (همان، ص ۱۲۷). آنان که سراسر شب را کار کنند، درآمدی که به دست می‌آورند حرام است. (مراد از «حرمت» در این‌گونه روایات، یا «کراهت شدید» است، و یا حرمت در موردی که مانع انجام واجبات شود)(نک: علامه حلی، ج ۱، ص ۵۸۷).

بی‌گمان کسی که در کار زیاده‌روی کند و حتی از استراحت لازم نیز دریغ ورزد، نه جسم سالمی خواهد داشت و نه روحی با نشاط و نه مجالی برای پرداختن به وظایف اجتماعی و امور عبادی. توجه به این نکته، مرز زیاده‌روی منفی در کار را با تلاش و مجاهده مطلوب، روشن می‌سازد.

### ت- توجه به کیفیت

از جمله اموری که در تمام کارها از جمله فعالیت‌های اقتصادی، بر آن تأکید فراوانی شده است، استواری و استحکام و توجه به کیفیت کار است. رسول گرامی خدا(ص) به استواری در هر کاری سفارش نموده و فرموده‌اند: «إذا عمل أحدكم عملاً فليتنن»؛ هرگاه یکی از شما، کاری انجام دهد، باید که [آن را] استوار سازد (کلینی، ج ۳، ص ۲۶۲).

آن حضرت، در گفتاری دیگر، استحکام کاری را محبوب خداوند شناخته‌اند: «... لکن الله يحبّ عبداً إذا عمل عملاً أحكمه»؛ ... خداوند، بنده‌ای را دوست می‌دارد که هرگاه عملی را انجام می‌دهد، آن را مستحکم نماید (بابویه قمی، ص ۳۸۵).

از مشکلات موجود بر سر راه رونق تولید ملی، کیفیت پایین برخی از محصولات داخلی است. بدین جهت، هرگاه مرکزی تولیدی - یا به طور کلی جامعه‌ای - به کیفیت بالای محصولات خود شناخته شود، با جذب مشتری و در اختیار گرفتن بازار مصرف، و نیز افزایش سطح تولید و در نتیجه کاهش هزینه‌ها، باعث رونق و رشد اقتصادی خود می‌گردد. این مهم، برای جامعه اسلامی، افزون بر آثار مثبت اقتصادی، ارزشی دینی و اخلاقی به شمار می‌رود که رعایت آن، رضایت الهی و سود اخروی را نیز دربردارد.

### ث- استفاده درست از امکانات

منابع طبیعی و مواد اولیه تولید، محدود است و نیازها و خواسته‌های بشر، نامحدود. بسیاری از منابع طبیعی دست‌کم در کوتاه‌مدت، تجدیدنپذیرند. از سوی دیگر، معضل بیکاری، گریبان‌گیر بسیاری از کشورهای جهان گردیده و به صورت مشکلی جهانی درآمده است (قره‌باغیان، صص ۴۵-۴۶). بی‌تردید، بهره‌گیری از حداقل امکانات جامعه در تولید و اشتغال‌زایی، می‌تواند گامی مؤثر در راه مقابله با این مشکلات، و به تبع آن حمایت از تولید ملی باشد.

در آموزه‌های دینی، راهکارهای مؤثری در این باره ارائه شده است، و بر ضرورت بهره‌گیری از حداقل امکانات تولیدی و منابع طبیعی، تأکید شده است؛ امیر مؤمنان(ع) می‌فرمایند: «من وجد ماءً و تراباً ثم افتقر فأبعده الله»: از رحمت خدا به دور باد هر آن کس که آب و خاکی بیابد ولی فقیر بماند. (حرّ عاملی، ج ۱۲، ص ۲۴). آب و خاک به عنوان مصداق بارز منابع طبیعی، نماد امکانات تولید است که بر بهره‌گیری از حداقل آن برای ایجاد اشتغال و فقرزدایی، تأکید شده است.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «إذا سبب الله تعالى لأحدكم رزقاً من وجه فلا يدعه حتى يتغير له»: هرگاه خداوند متعال، سبب روزی یکی از شما را از راهی فراهم ساخت، نباید آن را رها سازد مگر آن‌که خود تغییر نماید (نک: سیوطی، ج ۱، ص ۱۰۳).

این‌گونه آموزه‌ها، تأکیدی است بر استفاده درست از امکانات تولیدی و نیروی کار در جامعه که توجه به آن و برنامه‌ریزی بر اساس آن، نقش مؤثری در رشد تولید و کاهش هزینه تولیدی و ایجاد فرصت‌های شغلی خواهد داشت.

### ج- عاقبت‌اندیشی

از نکات شایان توجه در اخلاق کار و تولید، عاقبت‌اندیشی و آینده‌نگری است. تعهد اخلاقی و دینی مسلمان، وی را به انجام فعالیت‌هایی وامی‌دارد که عاقبت و فرجام نیکی برای خود و جامعه به دنبال داشته باشد، و از کارهایی که آینده‌ای زیان‌بار دارد، پرهیز نماید؛ هرچند در کوتاه‌مدت، سود فراوانی نصیب وی گرداند. بدین‌سان، پاره‌ای از مشاغل کاذب، و تولید برخی از کالاهای زیان‌بار، از نگاه ارزشی، کنار نهاده می‌شود؛ گو از نظر قانونی، معنی نداشته باشد. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «و اعمد لأعمّ الأمور منفعة و خیرها عاقبة»: آهنگ کارهایی را نما که منفعت آن همگانی‌تر، و عاقبت آن نیک‌تر است (نک: حرانی، ص ۱۲۴).

### ح- توجه به اولویت‌ها

فعالیت‌های تولیدی را از یک زاویه می‌توان به دو دسته بخش نمود: دسته نخست، فعالیت‌هایی است که برای تولید کالاها و خدمات مورد نیاز افراد جامعه انجام می‌گیرد و بدون آن، نظام اجتماعی و زندگی مردم، مختل می‌گردد. دسته دوم، کارهایی است که برای ایجاد رفاه بیشتر یا تولید کالاهای تجملاتی انجام می‌پذیرد. تردیدی نیست که تولیدات دسته اول، به ویژه تولیداتی که برای رفع نیازهای اولیه و اساسی است، در اولویت قرار می‌گیرد، و تا زمانی که اقتصاد جامعه، توان رفع چنین نیازهایی را نداشته باشد، شایسته نیست سرمایه‌ها و نیروی کار، در راه تولید کالاهایی تجملاتی به کار رود که بیشتر مورد استفاده اقلیتی ثروتمند است و توده‌های مردم از آن بهره‌ای ندارند.

قرآن کریم، با توجه دادن مسلمانان به اولویت‌ها و نیازمندی‌ها، از شرکت همه آنان در جهاد و ترک آموختن دین، منع فرموده است (توبه، ۱۲۲). این دستور، در واقع، ضرورت توجه به تمام نیازمندی‌ها و پرهیز از یک‌سونگری را یادآور می‌شود. بنابراین، رها کردن بخشی از صنایع و تولیدات مورد نیاز و پرداختن به بخشی خاص، روا نخواهد بود (قرضاوی، ص ۱۹۲)، و از این رو، فقیهان هرگونه دانش و شغلی را که مورد نیاز جامعه است، واجب کفایی می‌دانند (برای نمونه نک: غطاء، ج ۱، ص ۷۲؛ نراقی، ج ۱۴، ص ۱۷۸؛ مطهری، ج ۱، صص ۱۶-۱۸).

این نکته نیز یادکردنی است که از دیدگاه قرآن کریم، معیار اولویت دادن در عرصه تولید، منافع عمومی جامعه است نه مصلحت درصد کمی از ثروتمندان! چنان‌که در سوره حدید، با اشاره به اهمیت آهن به عنوان منبع تولید در زندگی انسان، می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ؛ و آهن را که در آن نیرویی شدید و منافی برای مردم است، پدید آوردیم» (حدید، ۲۵). «بأس شدید»، اشاره به اهمیت



آهن در صنایع دفاعی، و «منافع للناس» اشاره به اهمیت آن در صنایع غیر دفاعی است که مصالح عمومی (الناس) را برآورده می‌سازد.

بنابراین، در حالی که تولیدکنندگان در اقتصاد سرمایه‌داری، بدون در نظر داشتن نیازهای واقعی جامعه، تنها به دنبال تولید کالاهایی با سود بیشتری، تولیدکننده مسلمان بیش از هر چیز، به نیازها و مصالح جامعه می‌اندیشد تا در کنار درآمد مادی، رضایت الهی و سعادت ابدی را نیز به دست آورد.

### خ- نفی استثمار و استثمارپذیری

در آموزه‌های دینی، ستم به کارگران و استثمار آنان از آلوده‌ترین گناहانی است که نشان از پستی و پلیدی روح استثمارکننده دارد. آموزه‌های اسلامی در این باره، بر پایه دو اصل «نفی استثمار» و «نفی استثمارپذیری» استوار است (نک: بقره، ۲۷۹).

در مورد نخست، قرآن کریم با بیانی جامع، از هرگونه بهره‌کشی ظالمانه از مردم، نهی فرموده است: «حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید» (هود، ۸۵). «بخس» در واژه، به معنای نقص و کم گزاردن چیزی از سر ستم است (راغب اصفهانی، ص ۱۱۰؛ طبرسی، ج ۳-۴، ص ۶۸۷). گستردگی مفهوم «اشیاء» که به صورت جمع مضاف آمده، تمام حقوق افراد، از جمله نیروی کار، تخصص، استعداد، کرامت و شخصیت افراد را دربرمی‌گیرد؛ چنان‌که مفسر گرانمایه شیعه، طبرسی می‌گوید: «أی: لا تنقصوهم حقوقهم»؛ یعنی حقوق آنان را کم مگذارید (طبرسی، ج ۳-۴، ص ۶۸۸).

در روایات نیز، با تکیه بر باورهای اعتقادی، بر این نکته تأکید می‌شود که افراد با خودسازی درونی و با نیروی ایمان، جامعه‌ای پیراسته از ستم و استثمار را سامان دهند. از این رو پیوسته از سقوط معنوی و عقوبت سنگین استثمارگران در دادگاه عدل الهی، به‌سان عاملی بازدارنده از تجاوز به حقوق دیگران، یاد می‌شود، برای نمونه پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «من ظلم أجيراً أجره، أحبط الله عمله، و حرمّ علیه ریح الجنّه و إنّ ریحها لیوجد من مسیره خمس مئة عام»: هرکس در پرداخت اجرت کارگر، ستم روا دارد، خداوند کار[های نیک] وی را نابود سازد، و بوی بهشت را بر وی حرام نماید، با این‌که رائحه آن، از مسافتی به درازای پانصد سال به مشام می‌رسد (بابویه قمی، ج ۴، ص ۱۲).

درباره اصل دوم یعنی «استثمارناپذیری» نیز بر این نکته تأکید می‌شود که تا حد امکان، انسان سرمایه‌ای فراهم آورد و تلاش خود را بر آن متمرکز سازد از اجیر شدن برای دیگران خودداری نماید و بدین‌سان، زمینه استثمار خود را از میان ببرد. امام باقر (ع) می‌فرماید: «من آجر نفسه فقد حظر علیها الرّزق، و کیف لا یحظر علیها الرّزق و ما أصاب فهو لربّ أجره»: کسی که خود را مزدگیر [دیگری] کند، مانع روزی خود شده است، و چگونه چنین نباشد در حالی که دسترنج وی از آن کارفرمایی است که او را اجیر خود کرده است (بابویه قمی، ج ۳، ص ۱۷۴). تأثیر این دو اصل بر حمایت از تولید ملی، بی‌نیاز از شرح و بیان است.

### نتیجه و پیشنهاد

۱. متون اصیل دینی حاوی نکات اساسی در عرصه اخلاق اقتصادی است که با تکیه بر مطالعات منظم و روشمند قابل استخراج و تبویب و تحلیل است.
۲. نظام اخلاقی اقتصادی اسلام، نظامی جامع است که به همه شئون لازم در حیات این جهانی و حیات اخروی توجه کامل مبذول داشته است.
۳. تکیه نظام اخلاق اقتصادی در اسلام بر تعالیم معنوی به آن ضمانت اجرای قابل اعتماد بخشیده است.
۴. بایسته است تا مدیران و کارگران و فعالان بخش تولید ضمن توجه به اخلاق اسلامی تعیین شده برای کار به دو ویژگی تعهد و تخصص آراسته باشند و هر کس متعهدانه به کاری بپردازد که در حوزه تخصص اوست.
۵. در انتخاب مدیر، مسول و نیروی کار عنصر اخلاقی تعهد و نیز تخصص به عنوان شاخص اصلی مورد توجه قرار گیرد.
۶. هدر دادن نیروها و نیز تباه کردن آن؛ خواه از سر مسامحه و فقدان برخورداری از تخصص باشد و خواه از سر خیانت از نگاه دین بس نکوهیده و نارواست.
۷. افزایش آگاهی‌های علمی و دستیابی به فناوری‌های نوین، وظیفه دائمی کارشناسان، مدیران و همه فعالان عرصه تولید است

## منابع و مآخذ

- قرآن کریم (با استفاده از ترجمه استاد مهدی فولادوند).
- نهج البلاغه (با استفاده از ترجمه فیض الاسلام).
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶ش)، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ابن بابویه قمی، محمدبن علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی.
- -----، بی تا، الأمالی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی در قرآن و حدیث، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول
- توسلی، غلامعباس (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران، سمت، چاپ اول.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح و تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ ششم.
- حرّانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۳۹۸ق)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ترجمه کمره‌ای، تهران، اسلامی.
- حسینی، سید هادی (۱۳۸۱)، فقر و توسعه در منابع دینی، قم، بوستان کتاب.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۶۸ش)، الحیاة، تهران، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، چاپ اول.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دارالقلم، دمشق و الدار الشامیه، بیروت، چاپ اول.
- سیدعباس زاده، میرمحمد (۱۳۷۴ش)، وجدان کار: رهیافت عملی و کاربردی، آرشیا، چاپ اول.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ش)، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه.
- قرضاوی، یوسف (۱۴۱۷ق)، دور القيم و الاخلاق فی الاقتصاد الاسلامی، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ اول
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۰)، اقتصاد رشد و توسعه، تهران، نشر نی.
- کاشف الغطاء، جعفر (۱۳۸۱)، کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ سوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ش)، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا، چاپ سیزدهم.
- معیدفر، سعید، بی تا، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن، تهران: نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نراقی، محمد مهدی، بی تا. جامع السعادات، تصحیح سید محمد کلانتر، بیروت، مؤسسه الاعلمی- للمطبوعات، چاپ چهارم.
- هندی، علاءالدین علی متقی (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکره حیانی و صفوه السقا، بیروت، مؤسسه الرساله.

Archive of SID